



اصلاح در روابط اجتماعی ره‌آورد ظهور منجی

اسماعیل پراغی کوتیانی*

چکیده

انسان موجودی اجتماعی است که در پیوند با اجتماع زندگی می‌کند. هم از جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم در جامعه پیرامون خود تأثیر می‌گذارد. روابط اجتماعی، نقطه پیوند انسان با جامعه است. بنابر روایات اسلامی در روزگار پیش از ظهور امام مهدی، روابط اجتماعی از هم گسیخته خواهد شد و زندگی اجتماعی بشر با چالش روبه‌رو خواهد بود. گسست در روابط اجتماعی، کم‌فروغ شدن عواطف انسانی، شیوع کج‌روی‌های اجتماعی و ورود انگیزه‌های غیرانسانی در روابط اجتماعی، نمای پیدای جامعه انسانی در آن روزگار خواهد بود.

اما براساس آموزه‌های دینی، در واپسین سال‌های هستی و با ظهور امام مهدی تحولی اصلاح‌گرایانه در زندگی بشر ایجاد خواهد شد. در عصر ظهور امام زمان نمای روشن روابط اجتماعی به گونه‌ای شکل خواهد گرفت که فراهم آورنده منافع دنیوی و اخروی انسان خواهد بود؛ هم‌بستگی اجتماعی شکل می‌گیرد، عواطف انسانی تقویت می‌شود، انگیزه‌ها انسانی و الهی می‌شود و کج‌روی‌های اجتماعی به چالش کشیده خواهد شد.

واژگان کلیدی

اصلاح روابط اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی، عواطف انسانی، کج‌روی اجتماعی.

مقدمه

اندیشه‌ورزان بزرگ انسان را موجودی اجتماعی می‌دانند که برای استمرار زندگانی خود ناگزیر از هم‌زیستی با انسان‌های دیگر است. افزون بر این، زندگی اجتماعی و روابط انسانی به هویت و شخصیت افراد شکل داده و بستری مناسب برای شکوفایی استعداد‌های انسانی را فراهم می‌آورد. گرچه آدمی تنها به دنیا می‌آید و تنها از دنیا می‌رود، در این دنیا بی‌گمان در ارتباط با دیگران زندگی می‌کند. بنابراین، بزرگ‌ترین فصل کتاب زندگی او «رابطه با دیگران» است و در همین بخش ممکن است ارزش‌های زیادی را خلق کند و پاس‌بدارد و یا نهایه‌ی زشت و ناپسند از اجتماع انسان‌ها به نمایش گذارد. آدمی در رابطه با دیگران تصمیم می‌گیرد، حرف می‌زند و اقدام می‌کند. داد و ستد و واکنش و موضع‌گیری او در برابر دیگران بخش زیادی از روابط او را تشکیل می‌دهد. اگر این بخش از زندگی آدمی مسیری درست و پسندیده یابد، بسیاری از ارزش‌های الهی و انسانی به تحقق پیوسته است. صداقت، امانت‌داری، ایثار، سخاوت، گذشت، حسن ظن و اعتماد به دیگران، تعاون، نصیحت و خیرخواهی و ده‌ها فضیلت دیگر در همین عرصه خود را نشان می‌دهد. با آمدن این فضیلت‌ها به عرصه روابط اجتماعی، جایی برای نفاق، خیانت، تنگ‌نظری، خودخواهی، انتقام، بددلی، بدگمانی، خودمحوری و سوء نیت نمی‌ماند.

از سوی دیگر، با صنعتی شدن جوامع و پیش‌رفت دست‌آوردهای فنی انسان و افزایش هرچه بیشتر تحرک اجتماعی، روابط اجتماعی انسان‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شود. روابط اجتماعی انسان‌ها که در گذشته مبتنی بر ارتباط چهره به چهره و صمیمانه، پیوندهای عاطفی نیرومند و پایدار بوده، امروزه به روابطی رسمی، سرد و مبتنی بر سودجویی و افزون‌خواهی و به دور از اخلاق انسانی تبدیل شده است که این خود سبب‌ساز اخلاق بیشتر در این روابط شده است.

بنابر روایاتی که پیشوایان دینی فرموده‌اند، در واپسین سال‌های دنیا روی‌دادهایی اتفاق خواهد افتاد که از آن جمله ظهور و بروز رفتارهایی در سطح جامعه انسانی و در ساحت روابط اجتماعی است. آن رفتارها جامعه انسانی را به نوعی از هم‌گسیختگی و هرج‌ومرج دچار خواهد ساخت، به گونه‌ای که انسان‌ها از درنده‌خویی هم‌نوعان خویش به ستوه می‌آیند و آرزوی مرگ می‌کنند.^۱ البته در این روایات به انسان‌ها مژده داده شده که در فرجامین سال‌های دنیا مردی از خاندان پیامبر اسلام ظهور خواهد کرد و به انقلاب و اصلاحاتی بزرگ دست خواهد زد. گستره اصلاحات او همه ابعاد حیات انسانی را فرا خواهد گرفت؛ از اقتصاد تا سیاست و از فرهنگ تا اجتماع. از جمله این اصلاحات، اصلاح در روابط اجتماعی انسان‌هاست.

این نوشتار به چگونگی روابط اجتماعی در عصر پیش از ظهور اشاره کرده و به اصلاحاتی می‌پردازد که در زمان ظهور به دست حضرت مهدی در این ساحت از زندگی اجتماعی انسان‌ها صورت خواهد پذیرفت.

بنابر روایاتی که پیشوایان دینی فرموده‌اند، در واپسین سال‌های دنیا روی‌دادهایی اتفاق خواهد افتاد که از آن جمله ظهور و بروز رفتارهایی در سطح جامعه انسانی و در ساحت روابط اجتماعی است. آن رفتارها جامعه انسانی را به نوعی از هم‌گسیختگی و هرج‌ومرج دچار خواهد ساخت، به گونه‌ای که انسان‌ها از درنده‌خویی هم‌نوعان خویش به ستوه می‌آیند و آرزوی مرگ می‌کنند

ضرورت و اهداف بحث از اصلاحات در حکومت حضرت

به راستی چه ضرورتی دارد که به بحث از اصلاحات در عصر حضور امام زمان پرداخته شود؟ چه انگیزه‌ای باعث می‌شود که ذهن و فکر خود را به این مسئله معطوف بداریم؟ در پاسخ به این پرسش‌ها به چند عامل مهم، اشاره می‌کنیم:

یکم. بی‌شک ظهور حکومت حضرت، ویژگی‌ها و پی‌آمدهایی دارد که اگرچه تمام آن در لابه‌لای آموزه‌های دینی بیان شده است و برخی از آنها نیز در عصر رسالت و عصر زمامداری امیرمومنان مشاهده می‌شود، ظهور روشن آنها در جامعه موعود تحقق خواهد یافت. شناخت این ویژگی‌ها از نظر عقیده و ایمان و معرفت امام دارای اهمیت است؛ زیرا روایت شده است:

هرکسی بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.^۲

دوم. از نظر اسلام‌شناسی و شناخت نوع حکومت و چگونگی و اهداف حکومت در اسلام و ولایت حاکم و مسائل دیگر آگاهی روشنی به ذهن‌های پرسش‌گر ارائه می‌دهد.

سوم. جامعه اصلاح‌شده مهدوی، جامعه و نظام کامل و نمونه اسلامی است و الگو و معیار برای جوامع دیگر برای دست‌یابی به الگوی توسعه مادی و معنوی است. شناخت این جامعه برای تعیین جهت و سمتی که جوامع باید به سوی آن داشته باشند، مفید است.

چهارم. شناخت ویژگی‌های آن جامعه موعود، منتظران را امیدوار کرده و به تلاش و کوشش برای رسیدن به آن ترغیب و تشویق می‌کند.

پنجم. شناخت این جامعه به استقامت فکر، اخلاق و رفتار انسان کمک می‌کند. روایات آن را اوج کمال بشری و نظام عدل الهی معرفی کرده‌اند. هرکس به آن معتقد است، باید به سوی آن گام بردارد و ویژگی‌های آن را در خود و جامعه متجلی سازد. باید فاصله بسیار خود را با آن کم کرد و با تلاش به آن نزدیک شد. باید اخلاق و اعمالی را که با عضویت در چنان جامعه‌ای سازگار نیست و صاحب آنها از آن جامعه مطرود است، ترک کرد و خود را برای پذیرش و زندگی در چنین جامعه‌ای آماده ساخت.

اصلاح

اصلاح در لغت به معنای به سامان آوردن، سر و سامان دادن، آراستن، سازش دادن، نیکو کردن، آمده است.^۳ در مواردی که به معنای سازش دادن به کار می‌رود هم در اصل به معنای سر و سامان دادن و درست کردن خرابی میان دو متخاصم است. اصلاح در اصطلاح قرآنی به معنایی چون آشتی دادن مردم از هم جدا شده،^۴ از میان برداشتن تباهی و نادرستی در محیط اجتماعی^۵ به کار رفته است. در سنت نبوی نیز به پیروی از قرآن در همین معنای استفاده شده است.^۶ این واژه در مقابل افساد است که به معنای ایجاد نابسامانی است. اصلاح و افساد از زوج‌های متضاد قرآنی است که بارها در قرآن مطرح شده‌اند. منظور از زوج‌های متضاد، آن واژه‌های اعتقادی و اجتماعی است که دو به دو در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند و به کمک یکدیگر بهتر شناخته می‌شوند، مانند: توحید و شرک، ایمان و کفر، هدایت و ضلالت، عدل و ظلم، خیر و شر، اطاعت و معصیت. برخی از این زوج‌های متضاد، از آن جهت در کنار یکدیگر مطرح می‌شوند که یکی با نفی و طرد دیگری جامعه تحقق می‌پوشد؛ اصلاح و افساد از این قبیلند.^۷ موارد استعمال اصلاح در قرآن نیز به سطحی خاص اشاره ندارد، بلکه گاه به رابطه میان دو فرد (سطح خرد) و گاهی محیط خانوادگی (سطح میانه) و گاه نیز محیط بزرگ اجتماعی (سطح کلان) توجه دارد. از این رو، در قرآن همان‌گونه که به سامان بخشیدن به روابط فردی توجه شده، به اصلاح در روابط خانوادگی و نیز روابط اجتماعی انسان‌ها نیز عنایت شده است.

گفتنی است که مفاهیم صلاح و فساد دارای بار ارزشی هستند، بدین معنا که تعریف آنها جز با توجه به مبانی ارزشی هر جامعه امکان نمی‌پذیرد. از این رو، به صرف نیکوشمردن اصلاح و ناپسند تلقی کردن افساد، نمی‌توان به مصادیق آنها دست یافت، بلکه نخست باید اهداف و ارزش‌های مطلوب هر جامعه را در نظر گرفت و در راستای آن مصادیق صلاح و فساد را معرفی نمود. در چنین نگرشی، حرکت به سوی هدف‌های مطلوب و مورد پذیرش جامعه، اصلاح شمرده می‌شود، خواه آن حرکت به تدریج و آرام و خواه به صورت جهشی و ناگهانی تحقق پذیرد، هرچند در اصطلاح، تنها به حرکت نوع اول، اصلاح اطلاق می‌شود و حرکت نوع دوم را انقلاب می‌نامند.^۸

جایگاه اصلاح طلبی در اسلام

اصلاح طلبی، از ضروری ترین و روشن ترین آموزه های اسلامی است که به صورت تکلیفی فردی و اجتماعی تبیین شده است و گستره آن هم مسائل فردی و اصلاح میان افراد و هم سامان بخشیدن به روابط خانوادگی و نیز اصلاحات کلان اجتماعی را دربر می گیرد. اصلاحات اسلامی در مسائل اجتماعی نیز همه ساحت های جامعه را فرا می گیرد؛ از محیط زیست و مسائل زندگی مردم و شهرها تا مسائل فرهنگی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن، همه در محورهای اصلاحی اسلام نهفته است. از نظر انسان دینی، هیچ پدیده یا روی دادی و یا فرد و گروهی، از قلمرو اصلاحات بیرون نیست؛ زیرا تعهد دینی و مسئولیت های الهی، انسان دین باور را برمی انگیزاند تا برای سامان بخشیدن به همه ساحت های حیات انسانی، تلاش کند و برای زدودن هر نابسامانی، ناهنجاری، واپس گرایی و تباهی و فساد بکوشد.^{۱۰} به عبارت دیگر، گرایش به اصلاح و اصلاح طلبی مشی اسلامی است و هر مسلمانی به حکم این که مسلمان است، خواه ناخواه اصلاح طلب است و یا حداقل طرفدار اصلاح طلبی است. امام سجاد تلاش برای اصلاح را از جمله حقوق جامعه بر فرد دانسته اند:

و حقّ اهل ملتک... تألفهم و استصلاحهم؛^{۱۱}

و حق هم کیشانت این است که... با آنها انس گیری و به دنبال اصلاح آنها باشی.

اصلاح طلبی در اسلام به منزله شأن و نقش پیامبری مطرح شده است. از این رو، اصلاح طلبی در منظومه معرفتی اسلام جایگاهی ویژه دارد. در این نگاه کسانی مصلح شمرده شده اند که به سمت عملی ساختن محورهای کمال گام برداشته اند؛ محورهایی که والاترین آنها، معرفت به خداوند است. بدین جهت، قرآن کریم پیامبران را الگوی کامل اصلاح طلبان واقعی معرفی کرده است، چنان که از زبان حضرت شعیب چنین گزارش می دهد:

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ؛^{۱۲}

من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آن جا که بتوانم، ندارم و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست. بر او توکل کرده ام و به سوی او بازمی گردم.

انبیای الهی در مقام دعوت و ارشاد جوامع خود، مردم را به اصلاح دعوت و از افساد برحذر می داشته اند. خطاب های چون وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا^{۱۳} و وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ^{۱۴} و مانند آن گویای این مطلب است که در دعوت انبیا، اصلاح و افساد نقشی اساسی داشته است و در مقابل، قرآن ادعای اصلاح طلبی منافقان را به شدت نکوهش کرده و آنان را نه کوشای برای اصلاح که جویای فساد معرفی کرده است.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ * أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ؛^{۱۵}

از نظر انسان دینی، هیچ پدیده یا روی دادی و یا فرد و گروهی، از قلمرو اصلاحات بیرون نیست؛ زیرا تعهد دینی و مسئولیت های الهی، انسان دین باور را برمی انگیزاند تا برای سامان بخشیدن به همه ساحت های حیات انسانی، تلاش کند و برای زدودن هر نابسامانی، ناهنجاری، واپس گرایی و تباهی و فساد بکوشد

و چون به آنان گفته شود: «در زمین فساد مکنید»، می‌گویند: «ما خود اصلاح‌گریم.» به هوش باشید که آنان فسادگراند، لیکن نمی‌فهمند.

گفتنی است صلاح و فساد باهم هیچ‌گونه سازگاری ندارند؛ در هر بخشی که فساد و نابسامانی وجود داشته باشد، صلاح و بسامانی امکان حضور و بروز نخواهد داشت. از این رو، دعوت به اصلاح‌گری در اسلام در کنار مبارزه با مفسد قرار می‌گیرد. همواره امر به معروف در آموزه‌های دینی در کنار نهی از منکر طرح می‌شود. این مسئله گویای این معناست که همیشه مبارزه با فساد و نابسامانی پیش شرط اجرای هر گونه اصلاحات است. حضرت علی در این خصوص می‌فرماید:

لا یجمل الناس علی الحقّ الا من ورعهم عن الباطل؛^{۱۶}
مردمان را نمی‌تواند بر عمل به حق وادارد مگر کسی که آنان را از باطل (نادرستی‌ها) پرهیز دهد.

روابط اجتماعی

غالب اندیشه‌ورزان، انسان را موجودی اجتماعی دانسته‌اند که بدون حضور و ظهور در جمع نمی‌تواند گوهر انسانی خود را بروز دهد و شکوفا نماید. بدون شک انسان‌ها در همه جوامع به گونه‌های مختلف با هم در ارتباط هستند. این کنش متقابل یا رابطه دوجانبه برای زندگی اجتماعی از اهمیت انکارناپذیری در حیات انسانی برخوردار است، به گونه‌ای که بدون آن هم فرد خواهد پژمرد و هم گروه و هم جامعه. جامعه‌شناسان واژه «رابطه» (relation) را در معنای عام آن، که ناظر بر ارتباط میان اشخاص یا گروه‌هاست، به کار می‌برند. در این معنا، رابطه به روابط خانوادگی یا خویشاوندی محدود نیست، بلکه شامل همه روابطی است که در مدارس، مساجد، کارخانه‌ها، احزاب سیاسی و باشگاه‌های ورزشی و به طور کلی در همه انواع گروه‌های نخستین و دومین وجود دارد.^{۱۷} بر این اساس، روابط اجتماعی به هرگونه کنش متقابل و ارتباط دوجانبه یا چندجانبه‌ای که بین انسان‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی وجود دارد، اطلاق می‌شود. این‌گونه روابط در سه شکل ظهور و بروز خارجی پیدا می‌کنند: یکم. رابطه از گذر پایگاه اجتماعی: این نوع روابط به ارتباط

موقعیت‌های اجتماعی ناظر است و آن موقعیت نسبی پایگاه‌های اجتماعی افراد در مقایسه با یکدیگر است. مثل رابطه کارفرما با کارگر، رابطه رئیس با زیردستان و مانند آن.

دوم. رابطه از گذر نقش اجتماعی: این نوع روابط به کنش‌های متقابل کارکردی نظر دارد که وقتی به وجود می‌آیند که اشخاص با هم نقش‌های اجتماعی‌شان را ایفا می‌کنند. برای مثال، رفتار دوجانبه زن و شوهر، پدر و مادر، پدر و فرزند و مادر و فرزند، در عرصه خانواده از این دسته‌اند.

سوم. رابطه از گذر فرآیندهای اجتماعی: فرآیندهای اجتماعی از تعداد محدودی صورت‌های اصلی و نوعی کنش‌های متقابل اجتماعی تشکیل می‌شوند که از گذر انبوهی از نقش‌های اجتماعی اشخاص بروز می‌یابند. فرآیند اجتماعی چیزی بیش از ارتباط میان دو پایگاه یا دو نقش اجتماعی است. در زبان جامعه‌شناختی، فرآیندهای پایه عبارتند از هم‌کاری، هم‌سازی، مانند‌گردی، تعارض، مخالفت و رقابت. وقتی دو شخص با هم هم‌کاری یا مبارزه می‌کنند، در فرآیندی اجتماعی عمل می‌کنند که از یک طرف، چیزی بیش از روابط پایگاه‌هایشان است و از طرف دیگر، چیزی بیش از نقش‌هایشان.^{۱۸}

روابط اجتماعی پیش از ظهور

روایات دینی به ما گزارش داده‌اند که روابط اجتماعی در واپسین سال‌های پیش از ظهور امام زمان شکل ویژه‌ای به خود خواهند گرفت. سمت و سوی جریان روابط در آن روزگار به گونه‌ای است که افزون بر تأمین نکردن منافع و مصالح اخروی انسان‌ها با منافع زندگی دنیایی و اجتماعی انسان نیز ناسازگار است و زندگی بشر را به سویی راه می‌برد که جز گسست و ناپایداری و سرانجام نیستی و زوال جامعه را به دنبال نخواهد داشت. در این زمینه شاخصه‌هایی از روابط اجتماعی در روزگار پیش از ظهور و ناهنجاری‌های ناشی از آن در پی می‌آید.

الف) گسست اجتماعی

جامعه‌شناسان، هم‌بستگی و انسجام اجتماعی را برای پایداری و پویایی سازمان اجتماعی، ضرورتی انکارناپذیر دانسته‌اند. روشن است که گسست بین گروه‌های اجتماعی و آحاد اعضای جامعه و وجود تفرقه و جدایی میان آنها به استواری و پیش‌رفت جامعه

آسیب رسانده و زمینه زوال و اضمحلال آن را به سرعت فراهم می‌آورد.

هم‌بستگی اجتماعی به معنای وحدت و اشتراک در ارزش‌ها، افکار، احساسات و رفتارهاست. در شرایط وفاق و وجود هم‌بستگی اجتماعی بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی سبب پدید آمدن حسی همانند و نزدیک به هم می‌شود و پیوندهای عاطفی و دل‌مشغولی‌های مشترک آنها را به یک‌دیگر پیوند می‌دهد. هم‌بستگی اجتماعی را در سطوح مختلف درون‌گروهی و بین‌گروهی می‌توان بررسی کرد. به طور قطع در عرصه گروه، به دلیل نوع رابطه بین اعضا و آگاهی افراد به نمادهای آن و حس تعلق گروهی که به رفتار جمعی نیز می‌انجامد، با هم‌بستگی، هم‌نوایی و هم‌دلی عمیق‌تری مواجه خواهیم بود. در این حالت، حس وظیفه‌شناسی و مسئولیت متقابل در برابر اعضا از یک سو و تطابق و هم‌نوایی با عناصر وحدت‌بخش گروهی از سویی دیگر افزایش می‌یابد.^{۱۹}

روایات اسلامی در گزارش خود از عصر پیش از ظهور به وجود گسست اجتماعی در بین افراد و گروه‌های اجتماعی اذعان می‌کند. بنابر روایات مردم و اجتماعات پیش از ظهور در آتش تفرقه و جدایی خواهند سوخت و بشر یک‌دل و یک‌سو نخواهد بود و همواره اکثریت جامعه در اندیشه و عمل با یک‌دیگر در تضاد، تنش و ناسازگاری خواهد بود. حتی در جوامع اسلامی نیز به سبب اختلاف افکار و برداشت‌های متفاوت از دین، تضادهایی فراوان پدید می‌آید. صورت غالب در این جوامع انسجام ظاهری و گسست و جدایی درونی و واقعی است. به عبارت صریح‌تر باید گفت جامعه پیش از ظهور جامعه هم‌بسته و منسجم و هم‌گرا نیست؛ در ظاهر استوار و آراسته‌اند و به حیات خود ادامه می‌دهند، اما در باطن و زیربنای جامعه از هم‌پاشیده و متزلزل است. نوع مردم در جوامع پیش از ظهور به جای هم‌یاری و هم‌فکری به کوبیدن یک‌دیگر مشغول می‌گردند و به نابودی هم‌دیگر کمر همت می‌بندند. امیرمؤمنان علی در توصیف جامعه گسل‌خورده و از هم‌گسیخته پیش از ظهور می‌فرماید:

و أسفاً من فعات شیعتنا من بعد قرب مودتها اليوم کیف یستذلّ بعدی بعضها بعضاً و کیف یقتل بعضها بعضاً... کل حزب منهم أخذ منه بغصن اینها مال الغصن مال معه؛^{۲۰}

ای افسوس از رفتار شیعیان ما، پس از امروز که این‌گونه به هم دوستی نزدیک دارند؛ چگونه پس از من برخی از آنان، برخی دیگر را خوار سازند و بعضی برخی دیگر را می‌کشند... هر دسته و گروه از آنان به شاخه‌ای درمی‌آویزند و به هر سوی که شاخه بچرخد، آنان نیز می‌چرخند.

در برخی روایات دیگر از امام حسین چنین آمده است:

لا یكون الأمر الذی تنتظرونه حتّی یرأ بعضکم من بعض و یتفل بعضکم فی وجوه بعض و یشهد بعضکم علی بعض بالکفر و یلعن بعضکم بعضاً؛^{۲۱}
امری (ظهور) را که انتظارش را دارید، تحقق نخواهد یافت تا آن هنگام که از

هم‌بستگی اجتماعی
به معنای وحدت و
اشتراک در ارزش‌ها،
افکار، احساسات
و رفتارهاست. در
شرایط وفاق و
وجود هم‌بستگی
اجتماعی بین افراد
و گروه‌های مختلف
اجتماعی سبب پدید
آمدن حسی همانند و
نزدیک به هم می‌شود
و پیوندهای عاطفی
و دل‌مشغولی‌های
مشترک آنها را به
یک‌دیگر پیوند می‌دهد

ب) کم فروغ شدن عواطف انسانی

از معیارهای مهم برای تشخیص جامعه انسانی از گونه‌های دیگر اجتماعی زیستن در میان موجودات دیگر، وجود پیوندهای عمیق و عواطف سرشار انسانی است. مراد از عواطف، میل‌هایی است که در رابطه با انسان دیگر به هم می‌رسد، مثل عاطفه پدر و مادر به فرزندان و بالعکس و یا کشش‌های گوناگون ما به انسان‌های دیگر. از سوی دیگر، شاخص یک رابطه انسانی، شکل‌گیری آن براساس حق، عدالت و ارزش‌های انسانی است. در جوامعی که پیوند میان انسان‌ها با محوریت این سه اصل شکل نگرفته باشد، رابطه انسانی به معنای دقیق کلمه به وجود نیامده است که در اصطلاح به آن روابط انسانی از هم گسیخته اطلاق می‌کنند. گسیختن پیوندهای انسانی از پدیده‌های ویران‌گر پیش از ظهور است. در این برهه از زمان، پیوندهای اجتماعی بر محور حق و عدالت و ارزش‌های انسانی نمی‌چرخد، بلکه ضابطه در این پیوندها خودخواهی، خودپسندی، ستم و بی‌توجهی به حقوق و ارزش‌های انسانی است. توضیح این که جامعه انسانی و اسلامی، جامعه‌ای اخلاق‌گراست که تک‌تک اعضای خود را مسئول رعایت شئون انسانی و ادای حقوق یک‌دیگر می‌دانند. در این جامعه باید‌ها و نباید‌های رفتاری برای افراد تعریف شده است که همه خود را به رعایت آنها ملزم می‌دانند. در یک سو صداقت، صمیمیت، امانت‌داری، عفو، احسان، هم‌کاری، انفاق، احترام متقابل و... از جمله ارزش‌های این جامعه‌اند که نماد قوت عواطف انسانی است و در سوی دیگر، نفاق، دشمنی، دروغ‌گویی، حسد، کینه‌توزی، برتری‌جویی، ستم و بی‌حرمتی به دیگر اعضا کنش‌هایی است که بیان‌گر گسستی روابط اجتماعی و ضعف عواطف انسانی است که مورد نکوهش اسلام هستند. این جامعه، آرمان‌شهر اسلام است. اما از روایات در توصیف روزگار پیش از ظهور به دست می‌آید که پیوندها به گونه‌ای ظهور و بروز می‌یابد که نمایان‌کننده گسستی عمیق در روابط اجتماعی انسان‌هاست؛ قطع روابط خویشاوندی، کم‌ارج شدن جایگاه پدر و مادر و بزرگ‌ترها در نزد فرزندان و در مقابل بی‌توجهی بزرگ‌ترها به فرزندان و اعضای فروتر خانواده، عدم توجه به حقوق هم‌سایه، دروغ‌گویی، کینه‌توزی و دشمنی، حسادت، رواج غیبت و بهتان و افترا، هر کدام گسلی بر روابط

یک‌دیگر بی‌زاری جوید و آب دهان به روی یک‌دیگر بیندازید و برخی از شما برخی دیگر را کافر خوانند و برخی، برخی دیگر را لعنت کنند.

امام باقر نیز تیرگی روابط اجتماعی و کنش‌های ناهنجار در جوامع پیش از ظهور را این‌گونه توصیف می‌کنند:

لا يقوم القائم إلا على خوف شديد من الناس و زلزال و فتنه و بلا يصيب الناس... و اختلاف شديد في الناس و تشتت في دينهم و تغيير في حالهم حتى يتمنى المتمنى الموت صباحاً و مساءً من عظم ما يرى من كلب الناس و أكلهم بعضهم بعضاً؛^{۲۲}

قائم قیام نمی‌کند مگر زمانی که ترسی شدید و زلزله و فتنه و بلایی بر مردم عارض شود... زمانی که مردم دچار اختلاف شدیدی شوند و در دینشان پراکندگی و در حالشان دگرگونی ایجاد شود، به گونه‌ای که شخص صبح و شام آرزوی مرگ می‌کند از درنده‌خویی مردم.

این روایات، سازمان اجتماعی جامعه پیش از ظهور را گزارش می‌دهند؛ جامعه‌ای که به تشتت و پراکندگی فکری و کنشی دچار است و روابط اجتماعی در آن از هم گسیخته و اتحاد و یک‌پارچگی در آن جای خود را به تفرقه و جدایی داده است. براساس این گزارش‌ها در جوامع پیش از ظهور، گسست اجتماعی و تیرگی روابط اجتماعی به گونه‌ای در لایه‌های سازمان جامعه رسوخ می‌کند که افراد تاب تحمل یک‌دیگر را از دست می‌دهند و رفتارهایی از خود بروز می‌دهند که شایسته شهروند جامعه انسانی و اسلامی نیست. دوری‌گزیدن از یک‌دیگر، لعن و تکفیر هم‌دیگر و اختلاف شدید در گفتار، رفتار و پندار به منزله الگویی کنشی در جامعه برای خود جای باز می‌کند و اصل حاکم بر رفتارها خواهد بود. شاید علت عمده گسست در سازمان جوامع پیش از ظهور فقدان جهان‌بینی واحد و ارزش‌های ثابت باشد که پذیرفته همگان است؛ زیرا براساس روایات دینی، جهان‌بینی، آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی از جوامع پیش از ظهور رخت برخواهد بست و اسلام به غربت پیشین خود در زمان جاهلیت باز خواهد گشت.^{۲۳}

اجتماعی و عواطف انسانی است که احادیث آنها را بیان کرده‌اند:

یکم. قطع رحم: صلۀ رحم به معنای محبت و ارتباط داشتن با خویشان است که در اسلام به آن توصیه و در زمره واجبات شمرده شده است و قطع آن به معنای بی‌توجهی و گسست پیوند خویشاوندی است. بنابر روایات در روزگار پیش از ظهور، این پدیده در بین مردم به گونه‌ای شیوع می‌یابد که دست نیاز خویشاوندان محتاج را نیز بر نمی‌تابند:

امام صادق می‌فرماید:

رَأَيْتَ الْأَرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ؛^{۲۴}

وقتی که دیدی که پیوندهای خویشاوندی، گسسته گشته است.

پیامبر اسلام فرموده‌اند:

قیامت برپا نمی‌شود تا آن‌که زمانی فرا رسد که مردمی (از شدت فقر) به اقوام و بستگان خود مراجعه کنند و آنان را به پیوند خویشاوندی سوگند دهند تا بلکه به او کمک کنند، ولی چیزی به او نمی‌دهند.^{۲۵}

دوم. بی‌حرمتی انسان‌ها به یک‌دیگر: در آموزه‌های دینی به اعضای جامعه اسلامی سفارش شده است که به یک‌دیگر احترام بگذارند و از بی‌حرمتی به یک‌دیگر اجتناب کنند. به بزرگ‌تران توصیه می‌شود که به کوچک‌ترها - خواه از حیث سن و یا از جهت پایگاه اجتماعی - احترام بگذارند و از کوچک‌ترها می‌خواهد که در مقابل افراد بزرگ‌تر با کرنش و تکریم رفتار کنند. مطالعه سیره عملی پیشوایان دین، گواه بر این است که آنها این ارزش اسلامی و انسانی را در کنش‌های متقابل با اعضای جامعه داشته‌اند و به خوبی به کار می‌بسته‌اند، اما در جامعه پیش از ظهور این ارزش اسلامی زیرپا نهاده می‌شود و افراد خود را به رعایت آن ملزم نمی‌دانند. پیامبر اسلام در توصیف آن زمانه می‌فرماید:

در آن روزگار، بزرگ‌ترها به زیردستان و کوچک‌ترها، با مهربانی رفتار نمی‌کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی‌نماید.^{۲۶}

امام صادق در این باره می‌فرماید:

رَأَيْتَ الْعَقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اسْتُخِفَّ بِالْوَالِدِينَ؛^{۲۷}

وقتی که دیدی عاق والدین آشکار گشته و جایگاه پدر و مادر سبک شمرده شده است.

فرآیند حرمت‌زدایی از پدر و مادر تا بدان میزان پیش خواهد رفت که پدر و مادر بدترین جایگاه را در نزد فرزند خواهند داشت و فرزند از بهتان زدن بر آنها نه تنها باکی نخواهد داشت، بلکه خرسند نیز خواهد بود^{۲۸} و این نشان از افول و غروب چراغ عاطفه در نزد فرزندان آنان است.

سوم. بی‌توجهی به حقوق هم‌سایگان: اسلام دربارهٔ وجوب رعایت حقوق هم‌سایه،

فرآیند حرمت‌زدایی از پدر و مادر تا بدان میزان پیش خواهد رفت که پدر و مادر بدترین جایگاه را در نزد فرزند خواهند داشت و فرزند از بهتان زدن بر آنها نه تنها باکی نخواهد داشت، بلکه خرسند نیز خواهد بود و این نشان از افول و غروب چراغ عاطفه در نزد فرزندان آنان است

سفارش‌های بسیاری کرده است، به گونه‌ای که پیامبر فرمودند:

خداوند آن قدر مرا درباره هم‌سایه سفارش کرد که گمان کردم هم‌سایه از هم‌سایه ارث می‌برد.^{۲۹}

با وجود این، در جامعه پیش از ظهور به سبب ضعیف شدن نیروی عواطف انسانی، افراد نه تنها برای هم‌سایه خویش احترام قائل نمی‌شوند، بلکه در آزار دادن وی تلاش می‌کنند. در روایات چنین آمده است که «در آن روزگار هم‌سایه از هم‌سایه خود یاری می‌طلبد و او را به حق خویشاوندی سوگند می‌دهد، اما به او کمک نمی‌کند.»^{۳۰} امام صادق نیز در خصوص دوری‌جستن از آسیب‌های آخرالزمان به این انحراف چنین اشاره می‌کنند:

... رأیت الجار یوذی جاره و لیس له مانع؛^{۳۱}

زمانی که... دیدی هم‌سایه، به هم‌سایه‌اش آزار می‌رساند و هیچ مانعی برای او نیست.

گفتنی است که چون در برخی روایات، روایات «الساعة» و «اشراط الساعة» به ظهور و نشانه‌های آن تفسیر شده‌اند،^{۳۲} این روایات را به منزله گزارشی از عصر پیش از ظهور برمی‌شمیریم.

چهارم. کینه‌توزی: دشمنی و کینه‌توزی را از شاخصه‌های گسست در عواطف انسانی می‌توان دانست که در جوامع پیش از ظهور، چیرگی خود را آشکار می‌کند. در آن روزگار آستانه تحمل مردمان آن قدر کم می‌شود که چشم دیدن یک‌دیگر را نخواهند داشت و از یک‌دیگر دوری خواهند جوید. حالت مردم آن چنان دگرگون خواهد شد که با یک‌دیگر درنده‌خویی خواهند کرد و به آزار هم‌دیگر خواهند پرداخت و در چنین فضای پرکینه و عداوتی، آرزوی مرگ تنها راه نجات و رهایی پنداشته می‌شود.^{۳۳} ناگفته پیداست که کینه‌توزی که خود معلول بسیاری از ناهنجاری‌ها در روابط اجتماعی است، پایه و مایه‌ای برای آسیب‌های اجتماعی دیگری خواهد بود که در روایات به آنها اشاره شده است؛ آسیب‌هایی چون دروغ‌گویی،^{۳۴} حسادت، حرص،^{۳۵} افترا، غیبت و بهتان^{۳۶} و بی‌حرمتی به انسان‌ها.^{۳۷} پیدایی هر کدام از این ناهنجاری‌های اجتماعی که در زیر سایه کینه‌توزی ظهور و بروز می‌یابند، به معنای مرگ عواطف انسانی و اختلال در روابط اجتماعی است.

۵) شیوع کج‌روی‌های اجتماعی

زندگی اجتماعی انسان، تحت حاکمیت قواعد و هنجارهای اجتماعی است که برخی رفتارها را مناسب و برخی را نامناسب تعریف می‌کنند. روشن است که سرپیچی از این قواعد رفتار، همه کنش‌ها را دست‌خوش هرج و مرج و ازهم‌گسیختگی می‌کند که از آن به کج‌روی اجتماعی تعبیر می‌کنیم. به عبارت دیگر، کج‌روی اجتماعی عبارت است از ناهم‌نوایی با هنجار یا مجموعه هنجارهای معین که توسط تعداد فراوانی از مردم در اجتماع یا جامعه‌ای پذیرفته شده است.^{۳۸} هر جامعه‌ای، در فرآیند جامعه‌پذیری ارزش‌ها و هنجارهای شایسته را به اعضا انتقال می‌دهد و از آنان انتظار دارد که از این ارزش‌ها و قواعد کنش پیروی کند، اما همواره در هر جامعه‌ای عده‌ای یافت می‌شوند که پاره‌ای از این ارزش‌ها و هنجارها را زیرپا می‌نهند و رعایت نمی‌کنند. جامعه افراد هم‌آهنگ با ارزش‌ها را هم‌نوا و افراد ناهم‌آهنگ را ناهم‌نوا تعریف می‌کند.^{۳۹} با توجه به این مقدمه روشن می‌شود که در جامعه اسلامی که با توجه به این مقدمه روشن می‌شود که در جامعه اسلامی که ارزش‌ها و هنجارهای اسلام در آن حاکم است، معیار و ملاک هم‌نوایی یا ناهم‌نوایی و به عبارت روشن‌تر انحراف یا عدم انحراف افراد در روابط اجتماعی‌شان، باید براساس همین ارزش‌ها و هنجارها مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. از آموزه‌های دینی درباره روزگار پیش از ظهور برداشت می‌شود که در جوامع بشری آن عصر کج‌روی‌های اجتماعی به گونه بهت‌انگیزی گسترش می‌یابد و عمق گرایش به کج‌روی‌ها در آن روزگار به میزانی که بسیاری از مردم در جامعه اسلامی، ارزش‌های اسلامی را ضد ارزش و ضد ارزش‌های اسلام را برای خود ارزش تلقی خواهند کرد.^{۴۰} در روایات به انواعی از کج‌روی که در جوامع پیش از ظهور انتشار می‌یابد، اشاره شده است. از آن میان می‌توان از کج‌روی‌هایی چون هم‌جنس‌بازی،^{۴۱} فحشا،^{۴۲} بی‌عفتی و بی‌حجابی،^{۴۳} قماربازی،^{۴۴} رشوه خواری،^{۴۵} شرب مشروبات الکلی،^{۴۶} سرقت و کم‌فروشی^{۴۷} نام برد. در ذیل به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم.

یکم. هم‌جنس‌بازی (homosexuality): هم‌جنس‌بازی نشان‌دهنده روابط جنسی بین دو یا چند تن از افراد هم‌جنس است. بنابر روایات، در روزگار پیش از ظهور گرایش به تشکیل خانواده رو به افول می‌نهد و به جای آن زنان و مردان برای ارضای

نیازهای جنسی خود به هم جنس بازی روی می آورند. محمد بن مسلم می گوید: به امام باقر گفتیم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ فرمود: هنگامی که مردها خود را شبیه زنان و زنان خود را شبیه مردان کنند. آن گاه که مردان [در ارضای نیاز جنس خود] به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند.^{۴۸}

براساس برخی روایات، فرآیند گرایش به هم جنس بازی به میزانی شدت و حدت می یابد که مردان، مردان دیگری را که به زنان تمایل دارند، نکوهش می کنند.^{۴۹} دوم. فحشا: برآوردن خواهش های جنسی را در برابر پول می توان فحشا دانست، اما مراد در این بحث معنایی گسترده تر است که شامل همه شیوه هایی می شود که از طریق آنها خواهش های جنسی را به صورت نامشروع ارضا می کنند. در روایات به بسیاری از این ناهنجاری ها اشاره شده است. از علی نقل شده است:

در واپسین سال های دنیا و نزدیک برپایی قیامت که بدترین زمان هاست، زنانی ظاهر می شوند که برهنه اند و خودنمایی می کنند، از راه دین منحرفند. به فتنه و گناه و شهوت رانی تمایل دارند، حرام را حلال می کنند و جای آنان در دوزخ است.^{۵۰}

و در برخی روایات نیز وارد شده که برخی از مردان از طریق عرضه زنان خود به عنوان کالاهای جنسی ارتزاق می کنند و یا بدن های خود را به عنوان کالای جنسی عرضه می کنند.^{۵۱} روایات دینی در گزارش خود از گسترش فحشا و روسپی گری به رواج زنا^{۵۲} و به دنبال آن زیاد شدن فرزند نامشروع اشاره کرده و بر این نکته اشاره نموده اند که برآیند آسیب های اجتماعی در روزگار پیش از ظهور به سست شدن نهاد خانواده و افزایش نرخ طلاق - که خود نوعی از کج روی در روابط اجتماعی است - منجر خواهد شد.^{۵۳} دسته ای از روایات نیز در گزارش خود از فراگیری فساد و فحشا در روزگار پیش از ظهور تأکید کرده اند که شیوع این گونه انحرافات به میزانی خواهد بود که برای مردم، عادی جلوه خواهد نمود و دیگر حساسیت چندانی به آن نشان نخواهند داد. پیامبر اسلام در این خصوص می فرماید:

قیامت برپا نمی شود... تا آن که زنی را در روز روشن و به طور آشکار [در پیش روی همگان از چنگ صاحبش] گرفته، در وسط راه به او تعدی کنند، ولی احدی این کار را نکوهش نکند و از آن جلوگیری ننماید. بهترین آن مردم کسی است که می گوید: ای کاش کمی از وسط راه کنار می رفتی و کارت را انجام می دادی.^{۵۴}

سوم. سرقت: برای سرقت معانی مختلفی بیان شده که با ترکیب آنها سرقت را این گونه می توان تعریف کرد؛ برداشتن چیزی از دیگری بدون اطلاع و رضایت او که یا با زور گرفته می شود و یا با مکر و حیله. سرقت از انحرافات بزرگ اجتماعی است که جوامع در دوره های مختلف تاریخی با آن دست به گریبان بوده اند. در عصر پیش از ظهور نیز این آسیب به صورت گسترده و پیچیده ای در جوامع جریان خواهد داشت. سرقت و تجاوز به اموال

در برخی روایات نیز وارد شده که برخی از مردان از طریق عرضه زنان خود به عنوان کالاهای جنسی ارتزاق می کنند و یا بدن های خود را به عنوان کالای جنسی عرضه می کنند. روایات دینی در گزارش خود از گسترش فحشا و روسپی گری به رواج زنا و به دنبال آن زیاد شدن فرزند نامشروع اشاره کرده و بر این نکته اشاره نموده اند که برآیند آسیب های اجتماعی در روزگار پیش از ظهور به سست شدن نهاد خانواده و افزایش نرخ طلاق - که خود نوعی از کج روی در روابط اجتماعی است - منجر خواهد شد

شیوع انحرافات اجتماعی در روزگار پیش از ظهور هرگز به این معنا نیست که مردم حق دارند بر مفاسد و انحرافات اجتماعی دامن زنند و خود را بیالایند و در گسترش آن بکوشند تا شرایط ظهور فراهم شود، بلکه بدان معناست که جامعه با ترک آموزه‌های دینی و اخلاقی ناگزیر بدان سمت و سو حرکت می‌کند. وقتی در جامعه‌ای ارزش‌ها تغییر کند، بی‌گمان هنجارهایی که براساس آن ارزش‌ها ساخته و پرداخته شده‌اند، فرو خواهند ریخت. در این فرآیند یا جامعه بر اثر فقدان نظم ارزش و هنجاری دچار هرج و مرج خواهد شد و یا ارزش‌ها و هنجارهایی نوین بر رفتار و کردار جامعه حاکم خواهد شد که بی‌آمد آن گسترش انحرافات خواهد بود.

د) انگیزه‌های غیر انسانی در روابط اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است که نیازمند ایجاد پیوند با دیگران است و اگر این پیوندها ایجاد نشود، در برآوردن نیازهایش با مشکل روبه‌رو خواهد شد. اما بی‌شک برآوردن نیازها تنها انگیزه در روابط اجتماعی نیست، بلکه انگیزه‌های متفاوتی می‌تواند افراد را به ایجاد رابطه با هم‌دیگر برانگیزاند. انگیزه‌ها گاه براساس ملاک‌ها و معیارهای عقلانی و انسانی است و گاه مایه و پایه آنها غیرعقلانی و غیرانسانی است. بنابر روایات انگیزه‌ها در روزگار پیش از ظهور، الهی و انسانی نیست. دوستی‌ها و محبت‌ها واقعی و خالص نیست، بلکه ملاک بسیاری از پیوندها و دوستی‌ها مسائل پوچ و زودگذر و بی‌اهمیت است. غالب پیوندها براساس دست‌یابی به عیش و نوش و لذت و فساد و آلودگی است و ابراز صمیمیت‌ها، از حدّ زبان فراتر نمی‌رود. اما به هنگامه نیاز واقعی، یاری‌دهندگان اندکند. علی در توصیف این فضا می‌فرماید:

... وتواخی الناس علی الفجور و تهاجروا علی الدین
و تحابوا علی الکذب... واستعملت الموده باللسان و
تشاجروا الناس بالقلوب؛^{۶۱}
مردم با انگیزه گناه‌کاری با هم برادر می‌شوند و در راه دین
از یک‌دیگر جدا می‌گردند. دوستی‌ها دروغین است... و
دوستی به زبان و دشمنی مردم به دل‌هاست.

سخن از تعاون و تکافل اجتماعی در چنین فضایی امری
گزاف است. جایی که به تعبیر علی - در ادامه همین روایت -
مردمان چون گرگ به دنبال دریدن یک‌دیگرند، روابط اجتماعی

دیگران به صورت‌های مختلفی نمود پیدا خواهد کرد. در برخی روایات که به توصیف روزگار پیش از ظهور پرداخته‌اند، به سرقت در قالب کم‌فروشی و رانت‌خواری اشاره شده است.^{۵۵} در آن دوران سیاه، گناهان بزرگی چون کاستن پیمان‌ها و ترازوها و کم‌فروشی و حق مردم را پای مال کردن رواج می‌یابد و اساس مبادلات و داد و ستدها، بر کاستی و تجاوز به حقوق دیگران استوار می‌گردد و کار و تلاش و مبادله‌ای که از غیر این راه‌ها صورت گیرد، نوعی زیان و ضرر و عقب‌ماندگی حساب می‌شود. امام حسن عسکری آن دوران را این‌گونه ترسیم فرموده:

أغنیائهم یسرقون زاد الفقراء؛^{۵۶}
اغنیاء و توان‌گران جامعه ارزاق (وسایل معیشتی و امکانات
زندگی) بی‌نویان را می‌ربایند.

بی‌تردید مراد از سرقت در این حدیث، سرقت‌های رسمی نیست که جرمی جزایی و مدنی به حساب می‌آید؛ زیرا این‌گونه دزدی‌ها با پایگاه اجتماعی سرمایه‌داران تناسب چندانی ندارد، بلکه منظور از این سرقت، به کار بردن شیوه‌های مبادلاتی و ایجاد تورم مصنوعی، رانت‌خواری، توزیع غیرعادلانه و تولیدهای استثمارگری و ظالمانه است که بر آن اساس، حقوق فرودستان جامعه نادیده گرفته می‌شود.

چهارم. رباخواری و رشوه‌گیری: براساس گزارش روایات، بر اثر تغییر ارزش‌های اسلامی، جوامع پیش از ظهور به سوی نوعی سرمایه‌داری لجام‌گسیخته و پول‌پرستی افراطی گرایش پیدا خواهند کرد،^{۵۷} به گونه‌ای که ملاک برتری در این گونه جوامع تجمع ثروت و مال‌اندوزی است^{۵۸} و روابط اجتماعی افراد براساس دارایی و ناداری، تنظیم و برقرار می‌گردد^{۵۹} در این آشفتگی بازار، افراد فرودست برای نیل به پایگاه اجتماعی بالا و یا دسترسی به منابع کمیاب قدرت و ثروت ناگزیرند که به ربا و رشوه روی آورند تا بتوانند به حیات اجتماعی خود ادامه دهند و از سوی دیگر، سرمایه‌داران از این فرصت برای افزایش ثروت خویش به رباخواری و رشوه‌گیری گرایش پیدا می‌کنند. علی در توصیف این فضای مسموم می‌فرماید:

نشانه دجال فرا رسیدن زمانی است که مردم ربا بخورند
و رشوه بگیرند.^{۶۰}

بر پایه ارزش‌ها و هنجارهای الهی شکل نمی‌گیرد و گسیختگی روابط اجتماعی شیوه غالب در جامعه خواهد بود.

اصلاح روابط اجتماعی پس از ظهور

چنان که گذشت، روابط اجتماعی در سال‌های پیش از ظهور از هم خواهد گسیخت. آیا این‌گونه روابط اجتماعی پایدار خواهد بود؟ آیا امکان دگرگونی و تحوّل و اصلاح آن وجود ندارد؟ اگر دگرگونی ممکن است، کی، چگونه و به دست چه کسی ایجاد خواهد شد؟ بنابر عقیده ما وضعیت روابط اجتماعی دگرگون خواهد شد. این شیوه، ناسازگار با طبیعت بشر و زندگی اجتماعی اوست و از این رو، پایدار نخواهد ماند. این دگرگونی‌ها با ظهور امام زمان صورت خواهد پذیرفت و روابط اجتماعی انسان‌ها سازگار با طبیعت خواهد شد. امام مهدی برای اصلاح روابط اجتماعی ابتدا از اصلاحات بنیادین یعنی اصلاح در بینش‌ها و گرایش‌ها، خواهد آغازید و در مراحل بعد به کوشش‌های اصلاح‌گرایانه خود در مورد تک‌تک آسیب‌ها در روابط اجتماعی، خواهد پرداخت. در ذیل هم به اصلاحات کلان و هم به اصلاحات موردی ایشان اشاره می‌شود:

الف) اصلاح بینش‌ها

در فرهنگ اسلامی، عقل به گونه‌ای خاص تفسیر شده است. عقل در قاموس اسلام، نیرویی است که انسان را به پرستش خداوند و کارهایی نیک که سبب‌ساز بهره‌مندی از نعمت‌های الهی است، فرامی‌خواند.

العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان.^{۶۲}

عقل در این اندیشه، سرمایه‌ای الهی است که خداوند به همه انسان‌ها ارزانی داشته تا در سایه‌سار آن، هرآنچه مصلحت دنیایی و آخرتی او را تأمین می‌کند، بازشناسد و از اندیشه‌ها و کنش‌هایی که آینده او را به خطر می‌اندازد، خود را وارهاوند. به گفته اندیشه‌ورزان، فرق بین انسان و سایر حیوانات، نیروی تعقل و تفکر است. در جای‌جای قرآن نیز انسان‌ها ترغیب شده‌اند که از این نیروی خدادادی استفاده بهینه نمایند. اما مع‌الأسف در بسیاری از انسان‌ها، این نیرو تحت‌تأثیر نیروهای شهوت و غضب از پرتوافکنی بازمانده و زمینه‌ای ایجاد شده که انسان‌ها در کنش‌های فردی و اجتماعی خود آن‌چنان که باید، رفتار نکنند. در این فرآیند نیروی خرد آدمی در زیر رسوبات فکری و خرافات و کنش‌های نادرست پنهان می‌شود و درک ناب و زلال انسانی بی‌فروغ می‌گردد و انسان‌ها کج‌روی را بر اثر کج‌اندیشی آغاز می‌کنند. از این رو، برای جهت‌دهی درست به روابط اجتماعی باید اصلاح را از خرد و اندیشه آغاز کرد. باید غبارهای شهوانی و هواهای نفسانی را که بر چراغ عقل نشسته زدود تا در سایه نورافشانی آن به بازسازی الگوهای صحیح کنش‌های فردی و اجتماعی دست یافت. اندیشه‌ورزان «برای اصلاح یک اجتماع فاسد، نخست ایده و افکار و اعتقادات نادرست آنان را تغییر می‌دهند؛ زیرا تا انقلابی در

امام مهدی برای
اصلاح روابط
اجتماعی ابتدا از
اصلاحات بنیادین
یعنی اصلاح
در بینش‌ها و
گرایش‌ها، خواهد
آغازید و در مراحل
بعد به کوشش‌های
اصلاح‌گرایانه خود
در مورد تک‌تک
آسیب‌ها در روابط
اجتماعی، خواهد
پرداخت

افکار پیدا نشود، نمی‌توان انتظار اصلاحات عمیق در جنبه‌های عملی داشت». ^{۶۳} علی این روش اصلاح‌گرایانه را از روش‌های پیامبران بزرگ الهی در اصلاح جوامع دانسته‌اند:

فبعث فیهم رسله و اتر الیه‌م انبیائه لیستأدوهم میثاق فطرته و یتروا لهم دفائن العقول؛ ^{۶۴}

خداوند پیامبران خود را مبعوث کرد (و هر از چندگاه متناسب با خواسته‌های انسان) رسولان خود را پی‌درپی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جویند... و توان‌مندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند.

در آموزه‌های دینی وارد شده است که پس از ظهور نیز همین برنامه دنبال خواهد شد و چراغ عقل فرزندان و غبارهای تیره از ساحت خرد انسانی زدوده خواهد شد. به عبارت روشن‌تر، از برنامه‌های اصلاح‌گرایانه امام زمان در ساحت روابط اجتماعی، ارتقای سطح فکری انسان‌ها و روشن کردن چراغ عقل است تا در سایه‌سار آن بشر بتواند الگویی از روابط اجتماعی برای خود برگزیند که مصلحت‌دنیوی و اخروی او را تأمین کند. امام باقر در این خصوص می‌فرماید:

إذا قام قائمنا وضع یده علی رؤس العباد فجمع به عقولهم و أكمل به أخلاقهم؛ ^{۶۵}

زمانی که قائم ما به پا خیزد، دست خویش را بر سر بندگان خواهد کشید و این‌گونه، اندیشه آنان را جمع و اخلاقشان را تکامل می‌بخشد.

بشر امروز اگر از نیروی عقلانی خود به درستی استفاده می‌کرد و ابرهای تیره را از آسمان آن می‌زدود، روابط اجتماعی‌اش به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. ضعف روابط اجتماعی بشر پیش از ظهور را باید در ضعف عقلانیت او دانست. از این رو، در تفسیر ارزش‌ها نیز بدون همراهی اندیشه قدم برمی‌دارند و عقلانیت را در عقلانیت ابزاری و دنیایی خلاصه می‌کنند. بسی روشن است که دست عقلانیت ابزاری، کوتاه‌تر از آن است که به ساحت مصلحت‌های واقعی انسان دست یازد. اما پس از ظهور که خرد ناب انسانی جایگاه خود را بازمی‌یابد، الگوی روابط اجتماعی نیز شکلی تازه به خود خواهد گرفت. کنش‌ها به گونه‌ای سازمان

می‌یابند که تأمین‌کننده سعادت این دنیایی و آخرتی انسان باشند. با رشد تربیت و تکامل عقل، کینه‌ها به محبت و دوستی تبدیل می‌شود و روابط اجتماعی براساس انسان دوستی شکل می‌گیرد. در نتیجه، اخلاق نیکو در جامعه بشری گسترش می‌یابد.

از آن‌جا که عقلانیت صحیح در سایه دین‌داری ممکن خواهد بود، جامعه اصلاح شده پس از ظهور دین‌دار و کنش‌هایش معطوف به ایمان به خدا و معاد خواهد بود؛ زیرا روشن است «برای اصلاح یک جامعه و نجات آن از آتش ظلم و ستم و ارتقای سطح عقلانیت انسان‌ها، تقویت پایه‌های ایمان به خدا و معاد دو شرط ضروری و اساسی است؛ چراکه بدون ایمان به خدا، احساس مسئولیت از وجود انسان برچیده می‌شود و بدون توجه به معاد، ترس از میان خواهد رفت و به این ترتیب، این دو پایه اعتقادی، پایه تمام اصلاحات اجتماعی است». ^{۶۶}

ب) اصلاح‌گرایش‌ها

قرآن کریم یکی از برنامه‌های اصلاحی پیامبران خدا را تزکیه روح و روان انسان‌ها دانسته و آن را مرحله آغازین و پیش‌شرط هرگونه اصلاح معرفی کرده است؛ ^{۶۷} زیرا در سایه‌سار تصفیه و پاکی روح رفتارها و کنش‌های انسانی، رنگ و بوی الهی به خود می‌گیرد. در روایات اسلامی نیز آمده است که سیره و سنت امام مهدی ، همان سیره و سنت رسول اعظم خواهد بود. ^{۶۸} از این رو، تربیت و پرورش روح انسان و توجه به اخلاق و فضایل معنوی از اساسی‌ترین برنامه‌های ظهور است. روشن است که یکی از ابعاد مهم و زیربنایی در ساختن جامعه عدالت‌گرا، راه‌یابی و نفوذ عدالت در درون روح افراد و برقراری عدل و تعادل اخلاقی و تربیتی در میان آحاد جامعه است. بدین جهت، تربیت معنوی و تصحیح اخلاق افراد در حد بالا و آرمانی در دوران ظهور از اساسی‌ترین اهداف اصلاحی است که امام زمان آنها را پی خواهد گرفت. شعارهای مهم امام که از جمله آنها حق‌جویی و عدالت‌خواهی است، در پرتو تربیت درست و تصحیح اخلاق و برقراری تعادل باطنی به عمق اندیشه و سویدای دل مردم نفوذ می‌کند و محور گرایش‌ها و گزینش‌های آنان قرار می‌گیرد. ^{۶۹}

امام زمان بر اصلاح رفتارهای مردم جامعه پس از ظهور از این نقطه زیربنایی (اصلاح در گرایش‌ها) تلاش خود را آغاز

هم‌بستگی اجتماعی ره‌آورد ظهور

عمده‌ترین کارکرد دین، ایجاد وحدت و هم‌بستگی اجتماعی است. امیل دورکیم در تعریف خود از دین به نقش دین در ایجاد هم‌بستگی گروهی اشاره می‌کند. وی دین را نظام یک‌پارچه‌ای از عقاید و رفتارهای معطوف به امور مقدس می‌داند که تمام پیروان پای‌بند به عقاید و رفتارهای دینی را در یک اجتماع اخلاقی واحد هم‌آهنگ و متحد می‌سازد.

استتلی ایتزن از کارکردها و پی‌آمدهای مهم گروه برخوردار از میراث و عقاید دینی مشترک را وحدت می‌داند. در واقع مؤمنان از طریق تعقیب ارزش‌های مشترک، اجتناب از گناهان، پیروی از عقاید دینی و پاس‌داری از شعایر و نمادهای دینی، متحد و منسجم می‌شوند.^{۷۳}

آموزه‌های اسلامی بر هم‌بستگی و اتحاد جامعه اسلامی تأکید بسیار کرده‌اند. قرآن به جامعه اسلامی سفارش کرده که اختلاف و تفرقه را کنار بگذارند و به ریسمان محکم الهی دست آویزند.^{۷۴} از سوی دیگر، مردم را به اطاعت از پیامبر فراخوانده و آنان را از تفرقه و جدایی برحذر داشته و آن را عامل سستی و از بین رفتن قدرت جامعه اسلامی بیان می‌کند.^{۷۵}

شکی نیست که برای تشکیل جامعه‌ای یک‌پارچه و هم‌گرا، همیشه وجود جهان‌بینی یگانه و ارزش‌های ثابت و مورد پذیرش همگی اعضای جامعه، ضرورتی انکارناپذیر است. جهان‌بینی‌های متعدّد و متضاد و ارزش‌های پراکنده و مخالف، به یقین عامل تفرقه و دوگانگی است؛ زیرا جهان‌بینی و ارزش‌ها، زیربنای تفکر و اندیشه است و تفکر نیز خود عامل محرک در کنش‌های اجتماعی به شمار می‌رود. انسان‌ها غالباً آن‌گونه که می‌اندیشند، رفتار می‌کنند. از این رو، اختلاف در جهان‌بینی زمینه‌ساز کنش‌های ناهم‌آهنگ در روابط اجتماعی است. در نتیجه، برای برقراری هم‌بستگی اجتماعی و انسجام در روابط اجتماعی، وجود جهان‌بینی و ارزش‌های مقبول، امری ضروری است.

از اموری که پس از ظهور نیاز به اصلاح دارد و امام زمان به آن همت می‌گمارند، حوزه هم‌بستگی و هم‌گرایی فکری و کنشی اعضا جامعه است؛ زیرا پیش‌نیاز هرگونه اصلاح، هم‌آهنگ کردن اندیشه و مرام مردم و اتحاد روحی آنان است. اگر دل‌ها از هم جدا و فکرها گسیخته و پراکنده باشد، آغاز به اصلاح، اگر نگوییم محال،

امری هم‌نوا با شکست خواهد بود. از این رو، امام زمان برای ایجاد وفاق اجتماعی تلاش خواهد کرد و به اصلاح‌گری در این حوزه از حیات انسانی همت خواهد نمود. در آموزه‌های دینی به این بعد از ابعاد اصلاحی امام زمان اشاره‌های بسیاری شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

یکم. در دعای امام علی درباره آن حضرت چنین آمده است:

وَأَجْمَعُ بِهِ شَمْلَ الْأَمَةِ؛^{۷۶}

و پراکندگی امت را با او جمع فرما.

دوم. امام صادق می‌فرماید:

خداوند به وسیله او بین دل‌های پراکنده و مخالف

یک‌دیگر ائتلاف می‌بخشد.^{۷۷}

سوم. در برخی دعاهایی که برای زیارت امام زمان وارد شده، چنین آمده است:

السلام علی المهدی الذی وعد الله عزّ و جلّ به الامم آن

یجمع به الکلم و یلّم به الشعث؛^{۷۸}

سلام بر مهدی که خداوند وعده داده است به وسیله او

هم‌بستگی به وجود آورد و پراکندگی را برطرف کند.

در دعای افتتاح نیز همین مضمون با عبارتی دیگر آمده است:

اللهم ألم به شعثنا و اشعب به صدعنا؛^{۷۹}

خدایا به واسطه او پراکندگی ما را به هم‌بستگی مبدل کن

و از هم‌گسیختگی ما را التیام بخش.

چهارم. امیرمؤمنان می‌فرماید:

عن علی بن ابی طالب قال: قلت: یا رسول الله أمّنا

آل محمد المهدی أم من غیرنا؟ فقال رسول الله لا،

بل منّا. یختم الله به الدین كما فتح بنا و بنا ینقذون من

الفتن كما انقذوا من الشرک و بنا یؤلف الله بین قلوبهم

بعد عداوة الفتنه إخواناً كما ألّف بینهم بعد عداوة

الشرک إخواناً فی دینهم؛^{۸۰}

علی فرمود: به پیامبر گفتم: آیا مهدی از ما آل

محمد است، یا از غیر ما؟ فرمود: نه، بلکه از ماست.

خداوند دین را به دست او ختم می‌کند، چنان‌که به وسیلهٔ ما، آغاز کرد و به واسطهٔ ما مردم از فتنه‌ها نجات می‌یابند، همان‌گونه که از شرک نجات یافتند و به وسیلهٔ ما خداوند پس از دشمنی فتنه‌ها و آزمایش‌های سخت، دل‌هایشان را با هم الفت می‌دهد، همان‌طور که پس از دشمنی شرک، آنان را برادر دینی قرار داد.

پنجم. امام حسین نیز وقتی وضعیت جامعه از هم‌پاشیده و از هم‌گسیختهٔ دوران پیش از ظهور را توصیف کردند، در جواب راوی که پرسیده بود: آیا هیچ خیر و خوبی در آن زمان وجود نخواهد داشت؟ فرمودند:

الخير كله في ذلك الزمان يقوم قائمنا و يدفع ذلك كله؛^{۸۱}
همهٔ خوبی‌ها در آن زمان است؛ زیرا قیام‌کننده ما (مهدی) خواهد آمد و همه (ناهنجاری‌ها) را اصلاح خواهد کرد.

گفتنی است که راه‌کار حضرت مهدی برای ایجاد هم‌بستگی در روابط اجتماعی و محو تفرقه و جدایی، گسترش جهان‌بینی واحد و ارزش‌های یگانه براساس آموزه‌های اصیل اسلام است. در دوران پس از ظهور جهان‌بینی یک‌پارچه‌ای بر جهان حاکم می‌گردد و الگوهای رفتاری جامعه نیز به تبع آن جهان‌بینی، یک‌پارچه و منسجم خواهد بود. یکرنگی و یگانگی واقعی در اندیشه و کنش پدیدار خواهد شد. امام زمان هم‌بستگی واقعی را براساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی‌ریزی کرده و همهٔ افراد بشر را زیر پرچم خداپرستی جمع خواهد نمود. علی در توصیف این منظرهٔ زیبا به مالک بن حمزه می‌گویند:

... در این زمان قائم ما قیام می‌کند و همه را بر یک مرام و عقیده گرد می‌آورد.^{۸۲}

امام صادق نیز این‌گونه توصیف می‌کند:

فوالله يا مفضل ليرفع عن الملل و الأديان الإختلاف و يكون الدين كله واحداً
كما قال جل ذكره إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛^{۸۳}
پس سوگند به خدا ای مفضل که اختلاف از ملت‌ها و ادیان برداشته می‌شود و دین یگانه می‌شود، همان‌گونه که خداوند فرمود: «همانا دین در نزد خدا اسلام است.»

تقویت عواطف انسانی

جامعه‌ای که عواطف انسانی در آن ضعیف است، بی‌روح و بی‌محتوا و سرانجامش نیستی و نابودی است. جامعه‌ای که در آن دروغ، کینه، نفاق، حسد، افتراء، بهتان و بی‌توجهی به ارزش‌های انسانی متبلور باشد، نمی‌تواند جامعه‌ای پایدار و پویا به شمار آید. جامعهٔ بی‌عاطفه و بی‌احساس، جامعه‌ای در شأن نام انسان نیست. جامعه وقتی جامعهٔ انسانی است که نموده‌های فطرت الهی و عواطف انسانی در آن ظهور و بروز روشنی داشته

در دوران پس از ظهور جهان‌بینی یک‌پارچه‌ای بر جهان حاکم می‌گردد و الگوهای رفتاری جامعه نیز به تبع آن جهان‌بینی، یک‌پارچه و منسجم خواهد بود. یکرنگی و یگانگی واقعی در اندیشه و کنش پدیدار خواهد شد. امام زمان هم‌بستگی واقعی را براساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی‌ریزی کرده و همهٔ افراد بشر را زیر پرچم خداپرستی جمع خواهد نمود

باشد و گرنه اطلاق عنوان جامعه انسانی بر آن جز گزافه چیزی نخواهد بود. از این رو، در آرمان شهر مهدوی که جامعه‌ای در قد و قامت واقعی نام و شان انسان الهی است، عاطفه و احساسات پاک انسانی، نمود روشن و آشکاری خواهد یافت و تمام ردایی که غبار کینه و دشمنی را بر دل‌ها می‌پراکنند، از جامعه رخت برخواهند بست. به تعبیر روایات، کینه‌ها از سینه‌ها زدوده خواهد شد.^{۸۴}

در جامعه اصلاح شده پس از ظهور، روابط و عواطف انسانی بر محور حق، عدالت و ارزش‌های والای انسانی، بازسازی خواهد شد و هم‌چنان که پیش از این گذشت، حق‌جویی و عدالت‌خواهی در پرتو تربیت درست و بهینه‌سازی اخلاق، امری ممکن و میسر خواهد بود. بدین جهت، امام زمان برای تقویت عواطف انسانی، به تقویت اخلاق عمومی جامعه در روابط اجتماعی، همت خواهد گمارد. در آرمان شهر مهدوی دیگر از کینه‌توزی و دروغ‌گویی و بی‌حرمتی خبری نیست و شهروندان جامعه انسانی، وظیفه خود را درباره خود، خدا و دیگران، باز خواهند شناخت. در این روزگار آنچه نمود دارد، مهرورزی، مهربانی، انس، صفا و صمیمیت و احیای ارزش‌های انسانی و الهی در تمام ساحت‌های حیات بشری است. در آموزه‌های دینی به این جنبه از اصلاحات امام زمان نیز اشاره شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

قیام امام زمان در برخی از روایات به بعثت پیامبر اعظم تشبیه شده است که با ظهور خود دل‌ها و قلب‌های دورافتاده از یک‌دیگر را به هم نزدیک خواهد کرد و صفا و صمیمیت را در بین اعضای جامعه گسترش خواهد داد. در این خصوص پیامبر اسلام می‌فرماید:

و به یوْلَفَ اللهُ قلوبهم من بعد عداوة الفتنه كما لَفَّ اللهُ

بین قلوبهم بنا بعد عداوة الكفر؛^{۸۵}

خداوند به وسیله امام زمان دل‌هایشان را پس از دشمنی به هم نزدیک می‌کند، همان‌گونه که به وسیله ما دشمنی دوران کفر و جهالت را از میان برداشت.

در دعای افتتاح آمده است:

أشْفَ به صدورنا و أذهب به غیظ قلوبنا؛^{۸۶}

به وسیله او، سینه‌های ما را شفا ده و خشم دل‌های ما را بزدا!

امام حسین نیز پس از برشمردن ناهنجاری‌های روزگار پیش از ظهور و اشاره به سردی عواطف انسانی در آن زمان، در پاسخ شخصی که از ایشان می‌پرسد که پس در آن زمان هیچ خیر و خوبی وجود ندارد، به تلاش اصلاح‌گرایانه امام مهدی در بُعد روابط اجتماعی و عواطف انسانی اشاره می‌فرماید:

الخیر کله فی ذلک الزمان، یخرج المهدی فی رفع ذلک؛^{۸۷}

تمام خیر و خوبی در آن روزگار است، زیرا مهدی ظهور می‌کند و همه آن (ناهنجاری‌ها) را برطرف می‌کند.

اصولاً عواطف انسانی مربوط به درون و فطرت انسان هستند و ما دگرگونی چندانی نمی‌توانیم در آنها ایجاد کنیم، پس چگونه حضرت مهدی به اصلاح این‌گونه امور خواهند پرداخت؟ مشکل اساسی در روابط اجتماعی به معنای عام و بروز عواطف انسانی به صورت خاص، فقدان عدالت در روابط است. اصول عدالت در پاره‌ای از کلیات امور برای بشر شناخته شده است، اما در بیشتر مسائل به طور دقیق حد و مرز عدل برای عموم، مشخص نیست. همین عدم شفافیت معنا، مفهوم و مصادیق عدالت، مشکلات عمده‌ای را برای بشر به وجود آورده است. برای اجرای عدالت و ظهور و بروز رفتاری آن در عرصه روابط اجتماعی، شناخت دقیق و مشخص از مفهوم عدالت و حدود آن امری لازم و ضروری است.^{۸۸} در کلام امام رضا به همین موضوع اشاره رفته است که در دوران ظهور، میزان و معیار شناخت عدالت مشخص می‌گردد و به دست بشر داده می‌شود و همگان از اصول و فروع عدل در روابط اجتماعی و فردی آگاه می‌گردند. زندگی بشر در این عدالت روشن و شفاف، از هرگونه ظلم پاک می‌گردد و دیگر کسی به دیگری ظلم نخواهد کرد.

یطهّر به (القائم) الأرض من کلّ جور و یقدّسها من

کلّ ظلم... فإذا خرج وضع میزان العدل بین الناس فلا

یظلم أحدٌ أحدًا؛^{۸۹}

خداوند به واسطه مهدی زمین را از ظلم و ستم پاک

می‌کند... زمانی که قیام کند، ترازوی عدالت را بین مردم

قرار می‌دهد تا دیگر کسی به کسی ظلم نکند.

روشن است که وقتی معیاری برای داوری درباره کنش‌ها وجود

داشته باشد و با بروز اندک مشکلی، کنش‌ها مورد بررسی عادلانه قرار گیرد و حقوق همگان محترم باشد، دیگر جایی برای تضاد و تنش و کینه و دشمنی وجود نخواهد داشت. در جامعه عدل محور همه وظیفه خود را درباره خدا، خود و دیگران می‌شناسند و خود را به رعایت حقوق دیگران متعهد می‌دانند. چیرگی این فضای عدالت‌محور زمینه‌ای را ایجاد می‌کند تا قلب‌ها به هم نزدیک شوند و سبب‌ساز تقویت روابط اجتماعی و عواطف انسانی شوند. شاید کلام عمیق فاطمه زهرا در توصیف عدالت ناظر به همین مطلب باشد. ایشان می‌فرمایند:

فجعل الله... العدل تنسيقاً للقلوب؛^{۹۰}

و خداوند... عدالت را مایه پیوند یافتن قلب قرار داد.

دل انسان‌ها در فضای تیره تبعیض و بی‌عدالتی، از هم می‌گسلد و کینه‌توزی، دشمنی و تنش در میان‌شان رسوخ می‌کند. اما در جامعه عدل‌محوری که انسان‌ها از فساد، تبعیض و بی‌عدالتی آسیب نمی‌بینند، برای درگیری و تضاد خود که سبب‌ساز گسست روابط اجتماعی و سردی عواطف انسانی است، زمینه‌ای فراهم نخواهد نشد. از این رو، در عصر ملامال از عدالت ظهور حق‌خواهی و حق‌پرستی، برادری و برابری و مهربانی، انس، صفا و صمیمیت، ویژگی روابط اجتماعی خواهد بود. در حیات مهدوی، جایی برای کینه و دشمنی در قلوب مردم نمی‌ماند و وقتی کینه از دل‌ها برود، بهانه‌ای برای خیانت، خودخواهی، انتقام، بدگمانی و... نخواهد بود و اخلاق مردم اخلاق محمدی، علوی و مهدوی خواهد شد.

اصلاح کج‌روی‌های اجتماعی و ریشه‌های آن

بنابر روایات دینی امام زمان در مقابل همه کج‌روی‌های اجتماعی خواهد ایستاد و به اصلاح آنها همت خواهد گمارد. امام حسن در جایگاه توصیف تلاش امام زمان در آسیب‌زدایی از ساخت جوامع پیش از ظهور می‌فرماید:

خداوند در آخرالزمان... مردی را برمی‌انگیزاند که همه انسان‌های کافر را مؤمن و همه کج‌روان را اصلاح می‌کند.^{۹۱}

در جای جای دعای ندبه نیز به این بُعد از تلاش‌های امام عصر تصریح شده است.

أین المنتظر لإقامة الأمت والعوج... أین طامس آثار الزیغ والأهواء أین قاطع حبال الكذب والإفراء أین مبدئ العتاة و المردة؛^{۹۲}

کجاست مردی که برای راست کردن کجی و نادرستی، انتظارش کشیده می‌شود... کجاست محوکننده آثار انحرافات و هواپرستی، کجاست قطع‌کننده رشته‌های دروغ و افترا، کجاست نابودکننده متکبران و (متمردان) سرکشان.

کج‌روی‌های اجتماعی از بُعد منشأ را به گروه‌های مختلف می‌توان تقسیم کرد. ریشه برخی از انحرافات اجتماعی فقر و بی‌نوایی است، به گونه‌ای که بسیاری از افراد کج‌رو

در عصر ملامال از عدالت ظهور حق‌خواهی و حق‌پرستی، برادری و برابری و مهربانی، انس، صفا و صمیمیت، ویژگی روابط اجتماعی خواهد بود. در حیات مهدوی، جایی برای کینه و دشمنی در قلوب مردم نمی‌ماند و وقتی کینه از دل‌ها برود، بهانه‌ای برای خیانت، خودخواهی، انتقام، بدگمانی و... نخواهد بود و اخلاق مردم اخلاق محمدی، علوی و مهدوی خواهد شد

تنها به همین دلیل دست به هنجارشکنی می‌زنند. آسیب‌هایی چون دزدی، رشوه‌دهی و رباخواری را در این دسته می‌توان جای داد. منشأ برخی دیگر از آسیب‌های اجتماعی بی‌تعهدی به بنیان‌های اخلاقی، هنجارها و ارزش‌های دینی جامعه و شهوت‌رانی و هواپرستی است. انحرافات جنسی را می‌توان از این جمله آسیب‌های اجتماعی برشمرد. به هر حال، به همین دلیل که علت بسیاری از کج‌روی‌های اجتماعی متفاوت است، نوع برخورد اصلاح‌گرایانه امام زمان نیز با هر کدام از انحرافات اجتماعی متفاوت خواهد بود.

همان‌گونه که گذشت، از عوامل زمینه‌ساز کج‌روی‌های اجتماعی در زمینه اقتصادی و مالی، فقر و نداری است. از این رو، از برنامه‌ریزی‌های امام زمان برای مقابله با این‌گونه انحرافات اجتماعی، فقرسوزی و تلاش برای محو آن از ساحت جامعه است. از این رو، نخست ریشه‌های فقر را می‌یابد و به قطع آنها همت می‌گمارد. روشن است که ریشه فقر چند چیز می‌تواند باشد: عدم توان بر کار و فعالیت، تن‌پروری و راحت‌طلبی برخی انسان‌ها و یا غارت اموال توسط برخی سودجویان اقتصادی که به صورت ربا، احتکار، چپاول و رانت‌خواری، نمود پیدا می‌کند. بدین جهت، مبارزه امام زمان با فقر و ریشه‌های آن که سبب‌ساز ظهور برخی کج‌روی‌ها در ساحت روابط اجتماعی بشر شده است، چندسویه خواهد بود. از یک طرف، زمینه کار و تلاش را برای همه فراهم می‌کند و از سوی دیگر، با تشویق مردم به کار و تلاش و فعالیت‌های مثبت اقتصادی^{۹۳} به مبارزه با انحرافات اجتماعی می‌پردازد. و از سوی سوم به همه اعضای جامعه سفارش می‌کند که در یاری‌رسانی به قشرهای آسیب‌پذیر جامعه کوشش نمایند و خود نیز نخستین گام را در یاری‌نیازمندان برمی‌دارد. در این خصوص در روایت آمده است:

حضرت مهدی مال را می‌بخشد، بر کارگزاران سخت می‌گیرد و با بی‌نویان مهربان است.^{۹۴}

اما مهم‌ترین راه‌برد حضرت برای ریشه‌کن کردن پایه‌های کج‌روی‌های اجتماعی در حوزه مسائل مالی، مبارزه با مفسدان اجتماعی به عنوان زمینه‌سازان واقعی کج‌روی‌های اجتماعی است. از آن‌جا که برخی افراد سودجو و فرصت‌طلب با سوءاستفاده از

دارایی‌ها و پایگاه اجتماعی و اقتدار ناشی از آنها و فرصت‌های اطلاعاتی (رانت) که در اختیارشان است، به چپاول سرمایه‌های عمومی و یغماگری پرداخته و از این طریق به رشد کج‌روی‌های اجتماعی دامن می‌زنند. راه‌برد امام زمان برای مبارزه، خلع ید آنان از دست‌یازی به اموال عمومی است. در عصر او پول و مال در میان مردم چون خون در بدن جامعه در جریان است. او انباشت ثروت را در دست عده‌ای خاص بازمی‌دارد و تلاش می‌کند با به حرکت درآوردن آن برای عموم مردم کار و برای جامعه تعادل و توازن پدید آورد.^{۹۵} در آرمان‌شهر مهدوی رانت‌خواری و استفاده‌های شخصی از اموال عمومی، که باعث فربه شدن فاصله‌های طبقاتی و زیاد شدن شکاف میان فقیر و غنی است، از بین خواهد رفت. روایات از این مسئله چنین تعبیر کرده‌اند:

إذا قام القائم إضاحت القطائع فلا قطائع؛^{۹۶}

زمانی که قائم رستاخیز کند، قطائع (رانت‌ها) از بین خواهند رفت.

با این‌گونه اصلاحات امام زمان رفاه و رونق اقتصادی را به جامعه پس از ظهور هدیه خواهد داد که به تعبیر روایات چنین رفاه و رونقی در طول تاریخ زندگی بشر بی‌نظیر است^{۹۷} و البته مهم‌تر از این رفاه مادی، بی‌نیازی قلبی است که خداوند در سایه اصلاحات امام زمان در دل انسان‌ها ایجاد خواهد کرد، به گونه‌ای که مردم دیگر گرایشی به مال‌اندوزی نخواهند داشت^{۹۸} و در سایه‌سار این بی‌نیازی مادی و معنوی است که اعضای جامعه انسانی آراسته به فضایل و پیراسته از رذایل اخلاقی گشته و این آغازی است بر پایان دادن به ناهنجاری‌ها و کج‌روی‌های اجتماعی در حوزه امور مربوط به اقتصاد.

در حوزه کج‌روی‌های جنسی و مفاسد اخلاقی نیز برخورد اصلاح‌گرایانه امام زمان دو گونه خواهد بود: از آن‌جا که یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری کنش‌های انحرافی افراد، ضعف جامعه‌پذیری است، امام زمان در گام نخست تلاش می‌کند اعضا را با آموزه‌های دینی آشنا نماید و آنان را از حیث دینی جامعه‌پذیر نماید. از این رو، به تصحیح اخلاق و گرایش‌های رفتاری افراد می‌پردازد. برای این منظور دگرگونی و تحول را از اندیشه آغاز می‌کند؛ زیرا منشأ بسیاری از کج‌روی‌های اجتماعی

جهل و نادانی و ناقص بودن نگرش مردم به زندگی است. امام با فربه نمودن عقلانیت و انحراف‌زدایی از اندیشه و خرد که سبب‌ساز انحراف رفتاری است، به مبارزه فرهنگی با عوامل و ریشه‌های کج‌روی‌های جنسی و مفاسد اخلاقی که مایه و پایه اخلال در روابط اجتماعی است، خواهند پرداخت. از این رو، در جای جای سیره رفتاری خویش بر این تغییر نگرش، تأکید خواهند نمود.

از مواردی که حضرت با نگاهی فرهنگی به مبارزه با ناهنجاری‌های اخلاقی پرداخته‌اند، مفاد پیمان‌نامه‌ای است که حضرت با یاران خود می‌بندند. در بندهایی از این پیمان‌نامه امام زمان از یاران خود پیمان می‌گیرد که از انحرافات جنسی چون زنا و لواط بپرهیزند و حریم‌های خصوصی افراد را پاس دارند.^{۹۹}

در گام بعدی امام زمان با هنجارشکنان و کسانی مبارزه خواهد کرد که حدود و قوانین الهی را زیر پا می‌گذارند. بدون شک در هر جامعه افرادی وجود دارند که به ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول جامعه احترام نمی‌گذارند و به ناهم‌نوایی با جامعه اقدام می‌کنند و از این طریق به روابط اجتماعی آسیب وارد می‌کنند. برخورد قاطع با این‌گونه اعضای ناهم‌نوا، به ایجاد تعادل در جامعه یاری می‌رساند و افراد را به رعایت حقوق دیگر شهروندان ترغیب می‌کند. یکی از عوامل مهم گسترش ناهنجاری‌های اخلاقی و انحرافات جنسی، عدم اجرای حدود و قوانین الهی است.

اهمیت اجرای این حدود تا بدان‌جاست که قرآن حکمی مانند قصاص را قانونی حیات‌بخش معرفی می‌کند.^{۱۰۰} از این رو، از راه‌کارهای اصلاح‌گرایانه امام زمان برای جلوگیری از این‌گونه انحرافات، توجه ویژه به اقامه حدود الهی است. حضرت با اجرای این قوانین حیات‌بخش به روابط اجتماعی سامان می‌دهد و آنها را از گزند آسیب‌ها می‌رهاند. در دعاهایی که از پیش‌سویان دینی رسیده، به این جنبه از شخصیت اصلاح‌گر امام زمان اشاره شده است. در دعایی چنین آمده:

و أقم به الحدود المعطلة والأحكام المهمة؛^{۱۰۱}

خدایا به واسطه مهدی حدود ترک شده و احکام رها شده را برپا دار!

از امام صادق نیز نقل شده که در زمان امام زمان حدود الهی اجرا می‌گردد.^{۱۰۲} امام زمان با ارائه دو راهبرد فرهنگی و اجرای حدود الهی، روابط اجتماعی را در مسیر درست آن جای خواهند داد.

تعاون اجتماعی

براساس آموزه‌های دینی، حق و تکلیف دو روی یک سکه‌اند، بدین معنا که از یک سو همه بر گردن یک‌دیگر حق دارند و از سوی دیگر در قبال هم‌دیگر مسئول و مکلف هستند.^{۱۰۳} از این رو، اسلام در طرحی نو پس از شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه الرسول، همه مسلمانان را برادر معرفی کرد^{۱۰۴} و از مسلمانان خواست که دوبه‌دو با یک‌دیگر عقد اخوت و برادری بخوانند. اعلام اخوت اسلامی طرح شعاری بی‌محتوا نبود،

از مواردی که حضرت با نگاهی فرهنگی به مبارزه با ناهنجاری‌های اخلاقی پرداخته‌اند، مفاد پیمان‌نامه‌ای است که حضرت با یاران خود می‌بندند. پیمان‌نامه امام زمان از یاران خود پیمان می‌گیرد که از انحرافات جنسی چون زنا و لواط بپرهیزند و حریم‌های خصوصی افراد را پاس دارند

بازمی‌گردانیم (یعنی زندگی مردم در همین حد است)، اما به هنگام رستاخیز قائم، آن چه هست، هم‌ترازی (مزامله) است تا آن جا که هر کس، هر چه نیاز داشته باشد از جیب دیگری بدون هیچ مانعی برمی‌دارد.^{۱۰۵} مزامله به معنای رفاقت و دوستی خاص و بی‌پیرایه است. این الگو را می‌توان متعالی‌ترین الگو در روابط اجتماعی دانست. الگویی نو که در آن انسان از محدود خواسته‌های شخصی و بستگی‌های مادی بگذرد و محبت و دوستی خالص معیار در پیوندهای اجتماعی گردد.

نتیجه

امام زمان در تلاش برای اصلاح روابط اجتماعی، ابتدا و به صورت بنیادین به اصلاح اندیشه انسان‌ها همت خواهند گماشت. از آن جا که اندیشه انسان‌ها در جهت‌گیری‌های رفتاری آنها تأثیرگذار است، با اصلاح خرد و بینش افراد به رفتارهای بهنجار و گرایش‌های درست آنها در روابط اجتماعی، شکل خواهند داد. زندگی در آن روزگار براساس تربیت است. در عصر او مردم آن‌گونه رشد و پرورش خواهند یافت که رسول خدا اصحاب ویژه خود را می‌پروراند. در چنین جامعه‌ای که عقلانیت در اوج است و اخلاق اسلامی به همه کنش‌ها رنگ و بوی الهی داده، روابط اجتماعی پایدار، عواطف انسانی قوی، انگیزه‌ها خدایی و جامعه مصون از کج‌روی و فساد خواهد بود.

بلکه واقعیت‌های زندگی اجتماعی را می‌نمود که اسلام با واقع‌بینی و ژرف‌نگری خود شهروند جامعه اسلامی را به آن ترغیب کرد؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی است که بدون یاری گرفتن از دیگران نمی‌تواند بسیاری از نیازهای خود را برآورده کند. از این رو، اسلام برای سامان‌دهی به این نیاز اعضای جامعه اسلامی را به تعاون و تکافل اجتماعی توصیه می‌کند.

هر چند این الگوی کامل پس از رحلت پیامبر اسلام کم کم کم‌رنگ شده و در روزگار پیش از ظهور، از جامعه انسانی رخت برخواهد بست، در روزگار پس از ظهور و حضور امام زمان دوباره احیا و اصلاح خواهد شد، به گونه‌ای که شیوه غالب در روابط اجتماعی، برابری و برادری خواهد بود. این برادری به میزانی خواهد رسید که فرد در برابر برادر دینی خود احساس تعهد و مسئولیت می‌کند و فقر و ناداری و مشکلات او را پذیرا می‌شود. روایات ضمن نکوهش الگوهای ناقص برادری در دوره پیش از ظهور، به الگوی کامل آن در روزگار حکومت امام زمان اشاره کرده‌اند. عده‌ای از شیعیان خدمت امام باقر آمدند و گفتند عده ما در کوفه زیاد است، اگر شما هر فرمانی بدهی، اطاعت خواهند کرد. (به عبارتی از امام خواستند که قیام کنند.) امام فرمودند: آیا چنین است که اگر یکی از آنان نیازی داشته باشد، بیاید و آن چه نیاز دارد از جیب دیگری بردارد؟ گفتند: نه! امام فرمود: پس این گروه (که در راه دادن مال به یک‌دیگر این‌گونه بخل می‌ورزند) برای دادن خون خویش (در راه اصلاح جامعه) بخیل‌تر خواهند بود. آن‌گاه حضرت فرمود: مردم هم‌اکنون (که حکومت در دست ما نیست) آسوده‌اند؛ از مردم همسر می‌گیریم، از یک‌دیگر ارث می‌بریم، حدود الهی را اقامه می‌کنیم، امانت را

پی‌نوشت‌ها

- * عضو گروه جامعه‌شناسی و مهدویت پژوهشکده مهدویت.
۱. محمدبن ابراهیم نعمانی، الغیبة، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ص ۲۳۵، انتشارات مکتبه الصدوق، تهران، [بی‌تا].
 ۲. همان، ص ۱۳۰.
 ۳. حسن عمید، فرهنگ عمید، ص ۱۸۰، انتشارات امیرکبیر، تهران، [بی‌تا].
 ۴. سوره نساء، آیه ۱۴.
 ۵. سوره هود، آیه ۸۸.
 ۶. احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، دایرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۲۲۹، انتشارات سازمان دایرة المعارف تشیع، تهران ۱۳۶۸ شمسی.
 ۷. مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۶، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۶۷ شمسی.
 ۸. محمدتقی مصباح یزدی، اصلاحات؛ ریشه‌ها و تیشه‌ها، ص ۱۳، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم ۱۳۸۲ شمسی.
 ۹. محمد حکیمی، اصلاحات، ص ۷-۸، نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
 ۱۰. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ص ۵۷۰، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، [بی‌تا].
 ۱۱. سوره هود، آیه ۸۸.
 ۱۲. سوره اعراف، آیه ۵۶.
 ۱۳. سوره بقره، آیه ۶۰.
 ۱۴. سوره اعراف، آیه ۷۴؛ سوره هود، آیه ۸۵؛ سوره شعرا، آیه ۱۸۳؛ سوره عنکبوت، آیه ۳۶.
 ۱۵. سوره بقره، آیه ۱۱ - ۱۲.
 ۱۶. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، تصحیح محمد الرازی، ج ۱۸، ص ۱۵۵، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، [بی‌تا].
 ۱۷. عبدالحسین نیک‌گهر، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۵۹، نشر رایزن، تهران ۱۳۶۹ شمسی.
 ۱۸. همان، ص ۱۶۰ - ۱۶۱.
 ۱۹. عماد افروغ، فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی، ص ۳۳، انتشارات فرهنگ دانش، تهران ۱۳۷۹ شمسی.
 ۲۰. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۲، انتشارات موسسه الوفاء، بیروت، [بی‌تا].
 ۲۱. الغیبة (نعمانی)، ص ۲۰۶.
 ۲۲. همان، ص ۲۳۵.
 ۲۳. همان، ص ۳۲۱.
 ۲۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.
 ۲۵. نجم‌الدین طیبی، نشانه‌ای از دولت موعود، ص ۳۵، انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۵ شمسی.
 ۲۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.



۲۷. همان، ص ۲۵۹.
۲۸. لطف‌الله صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، ص ۴۳۱، منشورات مکتبه الصدراء، تهران، [بی‌تا].
۲۹. *بحار الانوار*، ج ۷۱، ص ۹۴.
۳۰. *نشانهای از دولت موعود*، ص ۳۵.
۳۱. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۲۵۶.
۳۲. همان، ج ۵۱، ص ۴۹.
۳۳. *الغیبه (نعمانی)*، ص ۲۳۵.
۳۴. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۹۳.
۳۵. ابی محمد حسن بن فضل طبرسی، *مکارم الاخلاق*، ص ۴۵۰، انتشارات شریف رضی، بیروت ۱۳۹۲ قمری.
۳۶. *منتخب الاثر*، ص ۴۲۴.
۳۷. همان، ص ۴۳۳.
۳۸. آنتونی گیدنز، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، ص ۱۴۹، نشر نی، تهران ۱۳۷۶ شمسی.
۳۹. هدایت الله ستوده، *اسیب‌شناسی اجتماعی؛ جامعه‌شناسی انحرافات*، ص ۳۱، نشر آوای نور، تهران ۱۳۷۶ شمسی.
۴۰. *منتخب الاثر*، ص ۴۲۶.
۴۱. همان، ص ۴۲۴ و ۴۲۹.
۴۲. همان، ص ۴۲۹.
۴۳. همان، ص ۴۲۶.
۴۴. همان، ص ۴۳۰.
۴۵. همان، ص ۴۳۳.
۴۶. همان، ص ۴۲۹.
۴۷. همان، ص ۴۳۰.
۴۸. شیخ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، تعلیق علی‌اکبر غفاری، ص ۳۳۱، موسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۰۵ قمری.
۴۹. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۲۵۷.
۵۰. شیخ صدوق، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ج ۳، ص ۳۹۰، انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۳۶۳ شمسی.
۵۱. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۲۵۷.
۵۲. علی کورانی، *معجم احادیث الامام المهدی*، ج ۲، ص ۲۱۶، انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم ۱۴۱۱ قمری.
۵۳. همان، ص ۲۱۹.
۵۴. محمد بن محمد الحاکم النیسابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق یوسف مرعشی، ج ۴، ص ۴۹۵، انتشارات دارالمعرفه، بیروت ۱۴۰۶ قمری.
۵۵. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۲۵۸.
۵۶. میرزا حسین طبرسی نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۱، ص ۳۸۰، انتشارات موسسه آل‌البتیة لاجیاء التراث، قم ۱۴۰۸ قمری.
۵۷. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۲۶۳.
۵۸. *مکارم الاخلاق*، ص ۵۲۵.
۵۹. *منتخب الاثر*، ص ۴۲۹ و ۴۳۱.
۶۰. *کمال الدین و تمام النعمه*، ص ۵۲۵.
۶۱. محمّد بن الحسن الموسوی (الشریف الرضی)، *نهج البلاغه*، ترجمه سید جعفر شهیدی، خطبه ۱۰۷، چاپ چهاردهم؛ انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۸ شمسی.
۶۲. *بحار الانوار*، ج ۱، ص ۱۱۶.
۶۳. ناصر مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۴، ص ۴۴۴، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۹ شمسی.
۶۴. *نهج البلاغه*، خطبه ۱.
۶۵. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۶۶. *تفسیر نمونه*، ج ۸، ص ۲۳۳.
۶۷. *سوره آل عمران*، آیه ۱۶۴.
۶۸. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۳۷.
۶۹. محمد حکیمی، *عصر زندگی*، ص ۵۲، چاپ اول: انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۷۰. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۷۵.
۷۱. همان، ص ۸۴.
۷۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۷۳. *فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی*، ص ۶۵.
۷۴. *سوره آل عمران*، آیه ۱۶۴.
۷۵. *سوره انفال*، آیه ۱۰۳.
۷۶. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۱۱۵.
۷۷. محمد بن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ج ۱، ص ۳۱۴، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۸۸ قمری.
۷۸. شیخ عباس قمی، *مفاتیح الجنان*، ص ۸۷۶، انتشارات دلیل، قم ۱۳۷۸ شمسی.
۷۹. همان، ص ۲۲۹.
۸۰. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۸۴.
۸۱. *الغیبه (نعمانی)*، ص ۲۰۶.
۸۲. همان.
۸۳. *بحار الانوار*، ج ۵۳، ص ۴.
۸۴. همان، ج ۵۲، ص ۳۱۶.
۸۵. همان، ج ۵۱، ص ۹۳.
۸۶. *مفاتیح الجنان*، ص ۲۹۹.
۸۷. همان، ص ۲۰۶.
۸۸. *عصر زندگی*، ص ۴۲.
۸۹. *کمال الدین و تمام النعمه*، ص ۳۷۲.
۹۰. احمد بن علی طبرسی، *الاحتجاج*، تحقیق سیدمحمدباقر خراسان، ج ۱، ص ۱۳۴، انتشارات دارالنعمان، نجف ۱۳۸۶ قمری.
۹۱. *معجم احادیث الامام المهدی*، ج ۳، ص ۱۶۷.
۹۲. *مفاتیح الجنان*، ص ۸۸۵.
۹۳. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۴۵.
۹۴. *معجم احادیث الامام المهدی*، ج ۱، ص ۲۴۶.
۹۵. محمد بن یزید القزوینی (ابن‌ماجه)، *السنن*، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، ج ۲، ص ۱۳۶۷، انتشارات دارالفکر، بیروت، [بی‌تا].
۹۶. *معجم احادیث الامام المهدی*، ج ۱، ص ۲۴۷.
۹۷. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۸۲.
۹۸. *معجم احادیث الامام المهدی*، ج ۱، ص ۲۴۰.
۹۹. علی بن موسی حلی (ابن‌طاووس)، *الملاحم و الفتن فی ظهور النابت المنتظر*، ص ۱۴۹، منشورات الرضی، قم ۱۳۹۸ قمری.
۱۰۰. *سوره بقره*، آیه ۱۷۹.
۱۰۱. *بحار الانوار*، ج ۵۳، ص ۱۹۰.
۱۰۲. *من لایحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۱۱.
۱۰۳. ابن‌حجاج، *الجامع الصحیح*، ج ۶، ص ۸، انتشارات دارالفکر، بیروت، [بی‌تا].
۱۰۴. *سوره حجرات*، آیه ۱۰.
۱۰۵. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۷۲.